روزنامه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی

همشهری

یکشنبه ۲۶ شهریور ۱۴۰۲ ■ سال سی‌ویکم ■ شماره ۸۸۸۵

مهار تورم و رشد تولید

■ حضرت امیر المؤمنین علی(ع):
سکوت در برابر احمق، بهتر از جواب دادن به اوست.

■ اذان ظهر: ۱۱:۵۹ ■ غروب آفتاب: ۱۸:۰۹
■ اذان مغرب: ۱۸:۲۷ ■ نیمه شب شرعی: ۲۳:۱۷
■ اذان صبح فردا: ۴:۲۴ ■ طلوع آفتاب فردا: ۵:۴۹

■ پذیرش آگهی: ۸۴۳۲۱۰۰۰
■ چاپ: همشهری
■ تلفن: ۴۸۰۷۵۰۰۰

■ توزیع و اشتراک:
موسسه نشرگستر امروز نوین
■ تلفن: ۹۱۳۰۴۱۴۲

■ دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه شهید سید کمال قریشی، شماره ۱۴
■ کدپستی ۴۵۹۵۶-۱۹۶۶۶ ■ تهران، صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۵۴۴۶
■ تلفن: ۲۳۰۲۳۰۰۰، نمابر: ۲۲۰۴۶۰۶۷

■ همشهری: www.hamshahrionline.ir
■ سایت روزنامه: newspaper.hamshahrionline.ir

حافظ
دور مجنون گذشت و نوبت ماست
هر کسی پنج روز، نوبت اوست

صفحه آخر

■ صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
■ مدیر مسئول: محسن مهدیان
■ سردبیر: دانیال معمار

■ دبیر تحریریه: مهدی علیپور
■ معاونان سردبیر: شهرام فرهنگی، شاهین امین، حامد فوقانی
■ مدیر فنی: حامد یزدانی
■ مدیر هنری: مهدی سلامی
■ دبیر عکس: فرشاد عباسی

سیاسی‌ودیپلماتیک:
■ مدیر: حسین ارجلو
■ دبیر: علی ترابی
شهرنگار:
■ مدیر: سیمین برادران
■ دبیر: فهیمه طباطبایی
اقتصاد:
■ مدیر: سروش خسروی
■ دبیر: مریم موسی‌پور
تماشاگر:
■ مدیر: امیر محمد یعقوب‌پور
■ دبیر: لیلی خرسند
ایرانشهر:
■ دبیر: زهرا عباسی

خانواده:
■ مدیر: محدث تک فلاح
■ دبیر: فاطمه عسگری‌نیا
تندرستی:
■ مدیر: عیسی محمدی
■ دبیر: عاطفه مرآتی
سرنخ:
■ مدیر: جواد عزیزی
■ دبیر: محمد جعفری
دانستنیها:
■ مدیر: محمد کرباسی
■ دبیر: ساسان شادمان
فرهنگ شهر:
■ دبیر: فرزام شیرازادی

۲۴ (سینما و تلویزیون):
■ مدیر: سعید مروتی
■ دبیر: علیرضا محمودی
سرزمین من:
■ مدیر: محمد باریکانی
■ دبیر: مهلا داریان
همشهری جمعه:
■ مدیر: پروانه بهرام نژاد
■ دبیر: مریم باقرپور
صفحه آخر:
■ دبیر: مسعود میر
طرح و گرافیک:
■ دبیر: محمدعلی حلیمی

گرینویچ

سفر دور و دراز به عشق خواهر

یک زن ۹۴ساله، نیمی از آمریکا را زیر پا گذاشته تا خواهر کوچک‌ترش را برای آخرین‌بار ببیند و با این کار، به قهرمان قلب های مردم تبدیل شده است. ماجرا این است که باربرا، در سفری ۴۴۰۰کیلومتری خود را به خواهر ۹۰ساله‌اش رسانده، تا احتمالا، برای آخرین‌بار با هم دیدار کنند. این سفر کاملا شخصی و خانوادگی بوده اما نتیجه خواهر بزرگ‌تر، فیلمی از لحظه دیدار این دو را در فضای مجازی منتشر کرده که میلیون‌ها بار دیده شده و قلب های مردم را آب کرده است. این نتیجه، خودش البته ۴۷سال دارد و در توضیح فیلم گفته، این دو خواهر این دیدار را آخرین ملاقات خود می‌دانند. باربرا، چند روز پیش شرلی خواهر جوان‌ترش مانده و قبل از وداع، حسابی با هم وقت گذرانده‌اند.

نوشابه با طعم آینده

شرکت کوکاکولا، با ارائه محصولی جدید، به آینده محتمل دنیای خوراکی‌ها رفته است؛ این شرکت، محصولی به‌نام «وای ۳۰۰۰ بدون شکر» تولید کرده که می‌توان گفت نخستین خوراکی جهان است که طعم آن، با مشارکت انسان و هوش مصنوعی تولید شده است. محققان این شرکت، داده‌ها درباره اینکه مردم گمان می‌کنند آینده چه طعمی خواهد داشت را جمع‌آوری کرده و از هوش مصنوعی خواستند تا مجموعه‌ای از طعم‌ها را کنار هم بگذارد و این طعم به‌خصوص را ایجاد کند. علاوه بر طعم این نوشیدنی، کوکاکولا گفته است که هوش مصنوعی، طراحی قوطی این محصول جدید را هم به‌عهده گرفته است. این شرکت، اخیرا محصولاتی آینده‌نگرانه را با هدف جذب جوانان تولید کرده اما این مدل آخری، پیشروترین آنها به‌شمار می‌رود.

پیاز عظیم انگلیسی!

یک مزرعه‌دار انگلیسی، با کشت یک پیاز عظیم‌الجثه در این کشور، حسابی معروف شده و گفته می‌شود رکورد بزرگ‌ترین پیاز دنیا را هم شکسته است. این مزرعه‌دار پیاز عظیمش را به یک نمایشگاه محصولات کشاورزی برده و آنجا از آن رونمایی کرده است. مقامات گفته‌اند که پیاز او، ۹کیلوگرم وزن دارد. این نمایشگاه، سابقه زیادی در رونمایی از پیازهای عظیم دارد و پیش از این هم در سال ۲۰۱۴ یک مزرعه‌دار دیگر یک پیاز ۸,۵کیلویی را در آن رونمایی کرده بود. بخشی از این نمایشگاه، مختص سبزیجات عظیم است و علاوه بر پیاز، خیارها و هویج‌ها و کلم‌های عظیم هم به نمایش گذاشته می‌شوند. برگزارکنندگان این نمایشگاه گفته‌اند که به‌نظرشان، پیاز ۹کیلویی، احتمالا به‌زودی وارد کتاب رکوردهای جهانی گینس خواهد شد.

فراخوان

بی تعارف و تکلف مثل همین متن کوتاهی که می‌بینید، ما منتظریم تا نوشته‌هایتان درباره مسائل روزمره، مشکلات و دغدغه هایتان را برای ما ارسال کنید. اگر اهل طنز و کاریکاتور و طراحی هم هستید جایتان اینجا محفوظ است. متن یا طرح تان که آماده شد یک تماس با شماره ۲۳۰۲۳۶۳۶ بگیرید تا برای رساندنش به ما، راهنمایی تان کنیم.

نجات گاندو از چاه

گاندوها را در ایران فقط در استان سیستان و بلوچستان می‌شود دید؛ نزدیکی‌های چابهار و راسک و نیکشهر و سراوان. شاید اسمشان به گوشتان خورده باشد؛ تمساح پوزه‌کوتاه تالابی یا به زبان بلوچی گاندوها سال‌هاست در این منطقه زندگی می‌کنند و با روستانشینان این مناطق اخت شده‌اند و مردم هم با این تمساح‌ها همزیستی مسالمت‌آمیزی دارند و به‌نوعی در کنار هم زندگی می‌کنند.

گاندوها که تا چند سال پیش در معرض انقراض قرار داشتند، حالا در مناطق حفاظت‌شده توسط سازمان محیط‌زیست زندگی می‌کنند و با اینکه جانوری بسیار خجالتی، محتاط و ترسو هستند، اما اگر گذرتان به جنوب ایران و استان سیستان و بلوچستان بیفتد، می‌توانید در محدوده سواحل مکران بعضی از این تمساح‌ها را ببینید که برای غذاخوردن از آب بیرون آمده‌اند.

محدوده حفاظت‌شده گاندوها بیش از ۴۶۵هزار هکتار است و بنا به سرشماری‌های محیط‌زیست، در حدود ۵۰۰گاندو در این محدوده وجود دارند و با اینکه گاندوها در محدوده‌های حفاظت‌شده زندگی می‌کنند، اما گاهی پیش می‌آید که گاندوهای کوچک‌تر به‌دلیل نزدیکی زیستگاهشان به زمین‌های کشاورزی، داخل چاه کشاورزی سقوط کنند. در چند روز گذشته هم اگر فضای مجازی را دنبال کرده باشید، حتما این خبر را خوانده‌اید که یکی از این گاندوها در روستای کهنانی‌کش بلوچستان، در چاه آب کشاورزی اهالی روستا برای چند روز گیر افتاده بود و امیدی به زنده‌ماندنش نبود، اما به کمک اهالی روستا، بعد از یک هفته گاندو زنده از چاه خارج و به زیستگاهش برگردانده شد.

شاید برایتان جالب باشد که بدانید گاندوها یکی از دلایل سفر گردشگران به سیستان و بلوچستان هستند و به‌عنوان تنها گونه حاضر از راسته تمساح‌ها و بزرگ‌ترین خزنده در ایران محسوب می‌شوند و لازم است که سازمان محیط‌زیست می بایست فکری به حال گاندوهای کوچک و رفت‌وآمدشان به زمین‌های کشاورزی بکند تا این اتفاق هر سال تکرار نشود.

حراج ویلای محبوب آقای دیکتاتور

آنهایی که کمی نترس و مقدار زیادی پولدار باشند، این فرصت را دارند تا ویلای محبوب یکی از مخوف‌ترین دیکتاتورهایی را که تاریخ به‌خود دیده در حراجی بخرند و در جایی استراحت و شاید زندگی کنند که روزگاری استراحتگاه یکی از خونریزترین رهبران دنیا بوده است.

صندوق توسعه مسکن روسیه، اعلام کرده که ویلای قدیمی لیپی آلکسوسک که متعلق به جوزف استالین، دیکتاتور سابق شوروی بوده را سوم نوامبر (در پاییز پیش‌رو) به حراج خواهد گذاشت. این خانه تابستانی که در اطراف مسکو قرار دارد، قدمت زیادی دارد، اما اهمیت تاریخی آن، به حضور استالین در آن مربوط می‌شود. این خانه‌های تابستانی که در روسیه به آنها داچا گفته می‌شود، معمولا در حومه هستند و مردم در تابستان‌ها به سمت آنها می‌روند. این داچای به‌خصوص به‌صورت متروکه درآمده، اما به‌خاطر اهمیت تاریخی و ارزش ملکی‌اش، با قیمت پایه ۴۰۳,۴۹میلیون روبل (۴,۱۸میلیون دلار) به حراج گذاشته خواهد شد. این قیمت نهایی آن نخواهد بود و تازه کسی که آن را بخرد، براساس بندهای قرارداد حراج، باید مبلغ هنگفت زیاد دیگری را خرج بازسازی آن کند، اما خریدار خانه می‌تواند در نهایت مالک یکی از معروف‌ترین ویلاها در تاریخ دیکتاتورهای جهان شود. استالین داچاهای متعدد و زیادی در سراسر روسیه داشته، اما گفته می‌شود که وی علاقه زیادی به این ویلا داشته و مدت زمان نسبتا زیادی را هم در آن گذرانده است.

این محوطه نزدیک به ۴۰هکتار زمین و حدود ۴هزار متر زیربنا دارد. ویلا در سال ۱۹۰۸توسط مالکان خصوصی ساخته شد، اما مالکیت آن بعد از انقلاب اکتبر، مثل خیلی چیزهای دیگر به دولت رسید. این ویلا مدتی در اختیار یکی از شهرداران سابق مسکو بوده، اما استالین، رهبر پیشین اتحاد جماهیر شوروی، بعد از مرگ همسرش در سال ۱۹۳۲ تا ۱۹۳۴ در این ویلا زندگی کرده است.

برای چند دهه این ملک یک ویلای دولتی بود تا اینکه در سال ۱۹۸۹ به یک مرکز بازپروری نوجوانان و کودکان بیمار تبدیل شد، اما در سال ۲۰۰۴ برای تعمیرات بسته شد و از آن سال دیگر بلااستفاده مانده است. از آن زمان، مالکیت آن به صندوق توسعه مسکن روسیه منتقل شده و همین صندوق آن را به حراج گذاشته است. با توجه به اهمیت تاریخی و البته ارزش ذاتی این ملک، انتظار می‌رود خریداران زیادی داشته باشد و حراج داغی در انتظار آن است.

خوش خبر

وام برای ۴۰۰هزار بازنشسته

تکریم بازنشستگان و مستمری‌بگیران و توجه به نیازهای آنها، یکی از مهم‌ترین اقداماتی است که باید همواره در دستور کار مسئولان قرار گیرد. حالا خبرخوب اینکه وام ۲۰میلیون تومانی برای ۴۰هزار نفر که پیش از این برای دریافت وام ثبت‌نام کرده بودند، از ابتدای مهرماه به‌حساب آنها واریز خواهد شد، البته همه بازنشستگان و مستمری‌بگیران که شرایط تعیین‌شده را داشته باشند، در نوبت‌های بعدی قادر به ثبت‌نام و دریافت وام هستند، زیرا قرارشده تا پایان امسال به ۴۰۰هزار نفر، تسهیلات پرداخت شود، اما شرایط دریافت وام؛ سابقه بیمه‌پردازی ۲۰سال به بالا، حداکثر مستمری دریافتی ۱۵میلیون تومان، سن میان ۵۰تا۷۸سال، عدم‌مسدودی حساب، مالکیت تلفن همراه به نام متقاضی، عدم‌سابقه چک برگشتی، عدم‌بدهی معوقه به بانک، داشتن موجودی ۱۰۰هزار تومانی در حساب بانکی و عدم‌استفاده از تسهیلات مشابه در ۳سال گذشته، شرایط دریافت وام ۲۰میلیونی هستند.

مدارس جدید، جایگزین کانکس‌ها

سال‌ها در سخت‌ترین شرایط تحصیل کردند، گرما و سرما را به جان خریدند تا کسب علم کنند و سری در میان سرها درآورند و سرانجام قدمی برای آبادانی شهر و دیارشان بردارند. بله آن دسته از دانش‌آموزان مناطق محروم سیستان و بلوچستان را می‌گوییم که کانکس و چادر و زیلو برایشان فرقی نمی‌کند و آنقدر مناعت طبع دارند که با همه سختی‌ها می‌سازند اما دست از تلاش برنمی‌دارند. در همین راستا، خبرخوبی داریم از سیستان و بلوچستان و مدارسی که جایگزین کانکس‌ها شده‌اند تا دانش‌آموزان این خطه از سرزمینمان نیز طعم خوش تحصیل را بیش از پیش بچشند. به گفته وزیر آموزش و پرورش، امسال بیش از ۱۰۰مدرسه کانکسی این استان با مدارس جدید جایگزین شده‌اند که این اقدام در راستای محرومیت‌زدایی و گسترش عدالت آموزشی صورت گرفته است.

تولید ژل‌های تست نوار مغزی

این روزها به هر حوزه‌ای که سر می‌زنیم، ردپایی از دانش‌بنیان‌ها و اختراعات و تولیدات ارزشمندشان به چشم می‌خورد. اقدامات ارزشمندی که ایران را بیش از پیش به سمت خودکفایی و عدم‌وابستگی به کشورهای بیگانه سوق می‌دهد و نشان از قدرت و اقتدار جوانان ایرانی در عرصه‌های مختلف دارد. این‌بار خبری داریم از تجهیزات پزشکی؛ خبر از این قرار است که یکی از شرکت‌های دانش‌بنیان با تکیه بر جوانان توانمندی که پای کار ایستاده‌اند و خدمت به وطن را به مهاجرت و کار در آن سوی مرزها ترجیح داده‌اند، به دانش تولید ژل‌های مورد استفاده در تست نوار مغزی و خمیر چسباننده الکترودها به پوست دست‌یافته و حتی توانسته ۲۰درصد از نیاز بازار داخل را تامین کند. در حال حاضر این شرکت، تنها شرکت دانش‌بنیان تولیدکننده این مواد است و حتی می‌تواند سهم بیشتری در تامین نیاز داخل داشته باشد. البته به شرط آنکه از واردات قاچاق کالاهای مشابه جلوگیری شود و خودکفایی در اولویت قرار گیرد.

کتابخانه تابستان

عطر هل مدینه

فاطمه اشرف

محرم و صفر تمام شد. تلاشم را برای برداشت توشه کردم اما دلم می‌خواهد حال خوشی را که این دو ماه از ارتباط با خوبان عالم داشتم، در خودم نگه‌دارم و برایم خواندن کتاب، خوشایندترین راه است. سراغ «نشان حُسن» می‌روم و شروع می‌کنم. «عطر هل و ادویه فضا را پر کرده است. هیاهوی بازار مدینه این روزها به‌خاطر خرید و فروش خرما بیشتر است.» یکباره مشامم معطر می‌شود. لبخند می‌زنم و از فضایی شگفت‌زده می‌شوم که انتظارش را نداشتم. کتاب لیلا مهدوی را که از کتابخانه برداشتم خودم را برای دریافت هر حالی از آن آماده کرده بودم جز همین حسی که در آن لحظه تجربه کرده بودم؛ لبخندی آرام دست ذهنم را گرفته است و من را تا کوچه‌پس کوچه‌های مدینه می‌برد، دور از هیاهو، دور از جنگ، دور از خاک و نیزه و سپر، پر از نخل، پر از یاس و پر از آفتاب بهار. من که می‌دانستم قرار است در این کتاب از خانواده حسن‌بن‌علی(ع) و حضورشان در کربلا بیشتر بدانم، یکباره با خانه‌ای روبه‌رو شدم که تصویر و عطر و طعم آن چیره شده است به فضای حماسی روز دهم محرم سال ۶۱هجری. یاد ماه رمضان مسجدالنبی ۱۱سال پیش و فلاسک‌های هل دم‌کرده‌ای می‌افتم که میان سفره‌های افطار چیده شده بود و از آن موقع به بعد هل دم‌شده پای ثابت سفره‌های افطار خانه‌مان شد؛ گاهی ترکیب صدای ربنا و اذان مغرب و عطر هل چنان قدرتمند می‌شدند که فاصله خانه ما در تهران تا مسجدالنبی در مدینه هیچ می‌شد. به‌خودم می‌آیم و می‌بینم این‌بار این جمله از کتاب است که من را از خانه تا مدینه برده است. پیش می‌روم و در همان «قدم‌دوم» متوجه رفت و برگشت‌های زمانی و مکانی کتاب از خانه ابامحمد در مدینه تا خیمه اهل‌بیت امام حسن(ع) در دشت نینوا می‌شوم و هر چند جملاتی که راوی روز عاشورا است بغض آلودم می‌کند، اما فضای کلی کتاب به‌نظرم شبیه تصوری است که همیشه از امام حسن(ع) در ذهنم داشته‌ام: آرام، مهربان، کریم و لطیف. اصلا همین تعادل است که خواندن را برایم دلپذیر کرده است و هر «قدم» را که می‌خوانم خودم را یک گام نزدیک‌تر می‌بینم به خانه ابامحمد که به ۲چیز معروف است: «یکی همین بوته‌های یاس و دیگر دری که هیچ‌گاه به روی نیازمندان بسته نمی‌شود.» به میانه‌های کتاب که می‌رسم دلتنگی برای مدینه، مسجدالنبی و بقیع پررنگ‌تر می‌شود، بلند می‌شوم و یک راست به آشپزخانه می‌روم. دانه‌های هل را در قوری پیرکس دمنوش می‌ریزم، آب جوش را روی دانه‌ها می‌ریزم و از اینکه چیزی تا شنیدن صدای اذان نمانده است، خوشنود می‌شوم.

عکس و مکث

انتهای تابستان، طرح قدیم

مسعود میر

تابستان حالا با شب‌های خنک و سحرگاه‌های مطلوب برای پیچیدن لای ملحفه‌ها دارد از خودش رد مسئولیت می‌کند. پاییز پشت در است و بساط درس و مدرسه معطل پهن شدن در زندگی و زمانه. در همین روزهاست که تابلوی کهنه پشت در یک گاراژ قدیمی یکهو خیالت را برمی‌دارد و پرت می‌کند تا روزهای دور دبیرستان در دهه ۶۰، روزهایی که باید کار و دانش می‌آموختی و حروف اختصاری‌اش به‌نام طرح «کاد» را از سر می‌گذراندی. یکی می‌رفت سراغ نجاری و یکی خیاطی و یکی مکانیکی، خلاصه باید طرح کاد را به‌عنوان یک درس مهم در سال‌های دبیرستان می‌گذراندی و حالا بماند که بسیاری هم چیزی در این طرح یاد نگرفتند تا اینکه در دهه ۷۰ کل پروژه هوا و فنی‌وحرفه‌ای به سیستم آموزشی ایران الحاق شد.

باد خنک شهریور در رودربایستی مهر به جان تابلو می‌پیچد، ما دبیرستانی‌های سال‌های دور و محصل‌های قدیم هنوز هم اول مهر را با تپش قلب و اضطراب شروع می‌کنیم.

بوک مارک

شهرهای نامرئی

ایتالو کالوینو

شهرها، مانند رؤیا، از آرزوها و ترس‌ها ساخته شده‌اند. قوانین‌شان پوچ و بی‌معنی، مناظرشان فریبنده و هر چیزی در آنها، پنهان‌کننده چیز دیگری است. تو از عجایب ۷یا ۷۰گانه یک شهر لذت نمی‌بری، بلکه جوابی که آن شهر به یکی از سؤالاتت می‌دهد، لذتبخش است.

دیالوگ

سابرینا

بیلی و ایلدر

سرآشپز: حواست به‌کار نیست، تو عاشقی، یه عاشق غمگین.
سابرینا: از کجا معلومه؟
سرآشپز: یه خانم عاشق شاد غذارو می‌سوزونه، یه عاشق غمگین یادش‌میره اجاق‌رو روشن کنه.